

## اندرزهای آقای سیستانی (مدّ ظلّه) در پاسخ به نامه جمعی از جوانان متدین

\*\*\*\*\*

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام و درود به مرجع عالیقدر آیت الله العظمی سید علی حسینی سیستانی (دام ظلّه)

ما گروهی از دانشجویان و فعالان اجتماعی، از حضرت عالی استدعا داریم توصیه‌ها و نصایحی را که در این روزها به کار ما می‌آید و بیانگر نقش جوانان و وظیفه آنها برای نقش‌آفرینی در جامعه است و هر نصیحت دیگری را که به نظر حضرت عالی برای ما فایده دارد، بیان فرمایید.

گروهی از دانشجویان و فعالان اجتماعی

\*\*\*\*\*

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على محمد و آله الطاهرين

السلام عليكم و رحمة الله و بركاته

شما جوانان عزیز را - که مسائلتان همچون مسائل شخص من و خانواده‌ام برایم اهمیت دارد - به هشت نصیحت سفارش می‌کنم؛ اندرزهایی که سعادت کامل این زندگی و حیات واپسین آدمی در آن نهفته و فشرده پیام‌های خداوند سبحان به بندگان و پندهای حکیمان و بندگان صالح خدا و رهاورد تجربیات و دانش این‌جانب است :

### ۱- لزوم اعتقاد راستین به خداوند سبحان و جهان آخرت:

با دلایل روشنی که برای این امر اقامه شده است و قضاوت‌هایی که آیین استوار در این باره نموده، مبدا کسی از شما در این باور کوتاهی کند. انسان با درنگ اندیشمندانه، درمی‌یابد که هر موجودی در این جهان، آفریده‌ای بدیع و تازه است و نشان از صانع‌ی توانا و خالق‌ی بزرگ دارد. خداوند متعال برای یادآوری این نکته، از طریق انبیای خود، همواره پیام‌هایی را ابلاغ کرده و در آنها روشن و مشخص

نموده است که زندگی، در حقیقت عرصه‌ای است برای آزمون بندگان خویش تا نشان دهد که کدامیک نیکوکارتر هستند؛ بنابراین، هر که وجود خداوند متعال و روز آخرت را نادیده بگیرد و به آن‌ها ایمان نیاورد، از معنا و افق و فرجام زندگی غافل مانده و رمز و راز تکاپوی در آن را دریافته است؛ از این‌رو، یکایک شما وظیفه دارید از این باور خود پاسداری کنید و آن را که به‌راستی هم پراهمیت‌ترین واقعیت است، گرامی‌ترین امور خویش برشمارید، بلکه باید بکوشید تا یقین و ارزش این باور در شما چندان فزونی یابد که گویا همیشه پیش روی او ایستاده‌اید و او با نگاه نافذ و تیزبین خود شما را نظاره می‌کند؛ که گفته‌اند: «چون صبح شود، شب روان را بستایند».

چنانچه آدمی در دوره‌ای از سال‌های جوانی، وضعی در دین خود احساس کند؛ و به‌عنوان مثال، انجام واجبات را دشوار بشمارد یا به لذت‌های دنیوی گرایش داشته باشد، اما هرگز نباید ارتباط خود با خداوند متعال را کاملاً قطع کند و بدین ترتیب راه بازگشت را برای خود ناهموار سازد. انسان باید این نکته را بداند که اگر در هنگام احساس توانایی و عافیت، به قدرت و سلامت خود مغرور شود و فرمان خداوند سبحان را ناچیز شمارد، سرانجام، در هنگام ناتوانی و ضعف، چاره‌ای جز بازگشت به سوی پروردگار ندارد؛ بنابراین، از همان عفتوان جوانی که مدت زمان محدودی بیش نیست، باید در فکر دوره ضعف و سستی و بیماری و سالمندی خود در آینده زندگی‌اش باشد.

مبادا انسان در نتیجه پیروی از شبهاتی که برای یافتن راه‌حلی برای آن‌ها صبر پیشه نکرده، یا با تکیه بر افکار ناپخته، یا تحت تأثیر لذت‌ها و پیرایه‌های زندگانی، یا رنجیده‌خاطر از سوءاستفاده‌های شخصی بعضی افراد از نام دین، رفتار و کردار نادرست خود را مشروع جلوه دهد و از این رهگذر، در اصول ثابت دین به تردید بیفتد؛ زیرا حقیقت چیزی نیست که با رفتار مردم سنجیده می‌شود، بلکه شخصیت‌ها را باید با حقیقت به آزمون کشید.

## ۲- آراستگی به اخلاق نیک:

خوش‌خویی دربرگیرنده فضیلت‌های بسیاری مانند حکمت، تفکر، مدارا، فروتنی، دوراندیشی، بردباری، شکیبایی و جز این‌ها است؛ و به همین دلیل، از مهم‌ترین عوامل سعادت در دنیا و آخرت به شمار می‌رود و روزی که ترازوی اعمال آدمیان برپا شود، نزدیک‌ترین مردم به خداوند و دارنده سنگین‌ترین کفه، کسی است که خوش‌اخلاق‌تر باشد؛ بنابراین، هر یک از شما باید اخلاق خود را در رفتار با والدین و خانواده و فرزندان و دوستان و عموم مردم سامان دهد و چنانچه در خود قصوری مشاهده کرد، نفس خویش را رها نکند، بلکه آن را به محاسبه کشد و حکیمانه به هدفش سوق دهد و اگر نفس سر باز زد، ناامید نشود، بلکه حتی با دشواری، خود را به خوش‌خلقی بیاراید، زیرا «هر که سرشت ملتی را به خود تحمیل کند، سرانجام یکی از آن‌ها خواهد شد» و نزد خداوند سبحان، تلاش چنین فردی، نسبت به کسی که این صفت در نهاد او باشد، پاداش بیشتری دارد.

## ۳- تلاش برای فراگیری درست یک حرفه، به دست آوردن تخصص، به تکاپو انداختن نفس و

### تحمل رنج و سختی برای رسیدن به آن :

این امر برکات فراوانی دارد: بخشی از وقت انسان را پر می‌کند، از این رهگذر می‌تواند هزینه خود و خانواده‌اش را تأمین نماید، به جامعه خود سود برساند، برای کارهای خیر کمک بگیرد، تجربه‌هایی اندیشه پرور و مهارت افزا به دست آورد و سرمایه‌اش پاک شود؛ زیرا به دست آوردن سرمایه هر چه با خستگی بیشتری باشد پاکی و برکت آن افزون‌تر است. وانگهی، خداوند متعال انسان زحمتکشی را که با کسب‌وکار، خود را به تکاپو می‌اندازد دوست می‌دارد و از انسان بی‌کار و بی‌بهره‌ای که بار دوش دیگران باشد یا وقت خود را در لهو و لعب بگذراند، بیزار است. پس مراقب باشید که دوران جوانی‌تان بدون فراگیری حرفه یا تخصصی سپری نشود؛ زیرا خداوند سبحان در جوانان نیروهای درونی و بدنی قرار داده است تا انسان با بهره‌گیری از آن بتواند سرمایه زندگی خود را فراهم کند؛ پس زهار که با وقت‌گذرانی و بی‌اعتنایی آن را هدر ندهید.

هر یک از شما باید چندان به حرفه و تخصص خود اهتمام ورزد که در آن به مهارت برسد و در نتیجه، سخنی را ناآگاهانه بر زبان نیاورد و کاری را ناشیانه انجام ندهد، بلکه از پرداختن به مواردی که توانایی یا دانش آن را ندارد عذر بخواهد، یا به شخصی که مهارت بیشتری دارد مراجعه کند که این کار برای او شایسته‌تر و برای جلب اعتماد دیگران بهتر است.

آدمی باید کار و وظیفه خود را با علاقه و همت و خلاقیت و رغبت انجام دهد و نباید تمام اهتمام او کسب مال حتی از راه نامشروع باشد؛ زیرا مال حرام برکت ندارد و هر که سرمایه‌ای را از راه نامشروع جمع‌آوری کند، از این مطلب ایمن نباشد که چه‌بسا خداوند او را به بلایی گرفتار سازد که ناچار شود پول خود را با رنج و زحمت بیشتری در راه آن هزینه کند؛ چنین مالی در این دنیا مایه بی‌نیازی نیست و در آخرت هم وبال او خواهد شد.

هر یک از شما وجدانش را میان خود و دیگران میزان قرار دهد؛ بنابراین وقتی به کاری برای دیگران می‌پردازد، همان‌گونه باشد که برای خود کار می‌کند و دوست دارد دیگران برایش کار کنند؛ و دیگران را به‌گونه‌ای مورد احسان خویش قرار دهد که دوست دارد خداوند سبحان در حق او نیکی کند و همواره اخلاق کار و شایستگی‌های این حوزه را در نظر داشته باشد و به روش‌های زشتی که از آشکار شدن آن‌ها شرم دارد نپردازد و بداند که هر کارگر، خواه عادی یا متخصص، امانت‌دار کارفرما و مراجعه‌کننده است، پس باید خیرخواه او باشد و ناآگاهانه مرتکب خیانت به او نشود؛ زیرا خداوند متعال مراقب او است و بر کارهایش نظارت دارد و دیر یا زود حق دیگران را از او می‌ستاند؛ به‌درستی که خیانت و پیمان‌شکنی زشت‌ترین کارها نزد خداوند سبحان است و فرجام و نتیجه خطرناکتری دارد.

در میان همه صاحبان مشاغل، پزشکان که با جان و بدن مردم سروکار دارند، باید توجه بیشتری به این نصایح داشته باشند؛ بنابراین، باید به‌شدت از سرپیچی از موارد یادشده که به سوء عاقبت می‌انجامد، پرهیز کنند و «فردا برای کسی که آن را ببیند نزدیک است».

خداوند سبحان می‌فرماید:

«وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ ﴿١﴾ الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ﴿٢﴾ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ ﴿٣﴾ أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ ﴿٤﴾»؛ «وای بر کم‌فروشان ﴿١﴾ آنان که چون از مردم پیمان می‌گیرند آن را پُر می‌کنند ﴿٢﴾ و چون برای مردم پیمان یا وزن می‌کنند از آن می‌کاهند ﴿٣﴾ آیا آنها گمان نمی‌کنند که روزی برانگیخته می‌شوند؟ ﴿٤﴾».

از پیامبر اکرم ﷺ چنین روایت شده است: (إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يُتَّقَهُ)؛ «خداوند متعال دوست دارد هر کس کاری را انجام می‌دهد، آن را به بهترین صورت انجام دهد».

لازم است دانشجویان و اساتید دانشگاه‌ها، در زمینه‌های تخصصی خود، به ویژه در حوزه پزشکی، از دستاوردهای دیگر مراکز علمی آگاهی داشته باشند تا دانش و عملکرد آنان در زمینه‌های کاری‌شان بدان‌روز برابری کند، بلکه وظیفه دارند با ارائه مقالات مفید علمی و پیشگامی در یافته‌های نو، موجبات تکامل علم را فراهم آورند و با امکانات موجود، به رقابت با دیگر مراکز علمی بپردازند و در فراگیری دانش، به شاگردی دیگران و مصرف ابزار و تجهیزات آنان بسنده نکنند، بلکه همانند نیاکان خویش که در گذشته‌های دور پیشگامان و پرچمداران این عرصه بودند، در پیدایش و تولید علم و بهره‌برداری از آن مشارکت فعال داشته باشند؛ که در این زمینه هیچ ملتی شایسته‌تر از دیگر ملت‌ها نیست.

بر شما لازم است تا از استعدادهای درخشان موجود در نوجوانان و جوانانی که در نبوغ سرآمد دیگران‌اند و هوش و برتری آشکاری دارند، حتی اگر از اقشار فرودست باشند، پشتیبانی کنید و همان‌طور که به فرزندان خود یاری می‌دهید، دست ایشان را تا رسیدن به مراتب بالای علم و دانش سودمند بگیرید تا همانند کار آنان، برای شما نیز پاداش نوشته شود و جامعه و آیندگان از علم آن‌ها بهره ببرند.

#### ۴- پایبندی به رفتار و اخلاق پسندیده و پرهیز از ناپسندی‌ها:

هیچ خیر و سعادت‌تی جز بر پایه فضیلت استوار نیست و هیچ بدی و شقاوتی مگر از فرومایگی سرچشمه نمی‌گیرد. جز در موارد خاصی که خداوند بندگان خود را با آن می‌آزماید. راست گفت خداوند سبحان که فرمود: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ»؛ «و هر مصیبتی که به شما رسد به سبب دستاورد خود شما است و خدا از بسیاری می‌گذرد».

بعضی از صفات پسندیده عبارت‌اند از: محاسبه نفس، پاکدامنی در ظاهر و نگاه و رفتار، راست‌گویی، صلح‌رحم، امانت‌داری، وفاداری به پیمان‌ها و تعهدات، استواری بر حق و پرهیز از رفتارهای پست و کردارهای ناروا.

و بعضی از صفات ناپسند عبارت‌اند از: تعصب‌های ناپسند، واکنش‌های شتابان، سرگرمی‌های پست، خودنمایی در برابر مردم، اسراف به هنگام برخورداری، تعدی به هنگام فقر، نارضایتی در گرفتاری‌ها، بدرفتاری با دیگران به ویژه با ضعیفان، هدر دادن سرمایه، کفران نعمت، پافشاری بر گناه، کمک به ظلم و ستم و تمایل به ستوده شدن بر کارهای نکرده.

دختران را به پاکدامنی و عفاف سفارش اکید می‌کنم؛ زیرا زن به خاطر ظرافتی که دارد، در برابر پیامدهای ناشی از بی‌توجهی به عفاف آسیب‌پذیرتر است، پس دختران باید مراقب باشند که فریب احساسات پوچ را نخورند و درگیر وابستگی‌های گذرای نشوند که لذتشان فناپذیر، ولی پیامدهای ناگوارشان جاودان است و دختران را نشاید که به چیزی جز زندگی پایدار که سعادت و خوشبختی آن‌ها را ضمانت می‌کند، بیندیشند؛ چه برازنده است زنی که با حفظ سنگینی و متانت ظاهر و رفتار خویش، به امر زندگی و کار و تحصیل خود می‌پردازد.

#### ۵- اهمیت دادن به تشکیل خانواده، با ازدواج و تولید نسل، بدون تأخیر:

تشکیل خانواده مایه انس و لذت انسان و موجب جدّیت در کار است و وقار و احساس مسئولیت را در پی دارد و سبب می‌شود تا انسان همه نیروی خود را برای روز نیازمندی به کار گیرد و او را از بسیاری از امور نامشروع و پست حفظ می‌کند تا جایی که در روایت آمده است: «هر که ازدواج کند نیمی از دین خود را پاس داشته است» و مهم‌تر از همه این موارد، تشکیل خانواده، سنتی ضروری است که بیش از دیگر سنت‌ها بر آن تأکید شده و فطرتی است که انسان با آن سرشته شده است و هر که از این سنت روگردان شود به دشواری می‌افتد و به تنبلی و کسالت مبتلا می‌شود.

هیچ‌کس نباید برای ازدواج از فقر بترسد؛ زیرا خداوند سبحان بخشی از انگیزه‌های روزی را در ازدواج قرار داده که انسان در نگاه اول، آن را به حساب نمی‌آورد. هر یک از شما باید به اخلاق و دین و اصالت کسی که با او ازدواج می‌کند دقت داشته باشد و در توجه به زیبایی و ظاهر و شغل وی زیاده‌روی نکند؛ زیرا این موارد مایه فریفتگی است و هنگامی که زندگی چهره سختی و آزمایش خود را نشان می‌دهد، این پرده‌ها به سرعت کنار می‌رود. در حدیث، از ازدواج با زن فقط به خاطر زیبایی او پرهیز داده شده است. در کنار آن، باید دانست که هر کس به خاطر دین و اخلاق زنی، با وی ازدواج کند، در این وصلت برای او برکت قرار داده‌اند.

دختران و اولیای آن‌ها بر حذر باشند که اشتغال را بر تشکیل خانواده و اهتمام به آن ترجیح ندهند؛ زیرا ازدواج سنت مؤکد زندگی است، ولی اشتغال چیزی از قبیل مستحبات و مکمل‌ها است که ترک آن سنت مؤکد برای این امور، از حکمت به دور است و کسی که در آغاز جوانی از این نکته غفلت کند، به سرعت پشیمان می‌شود و البته این پشیمانی برای او سودی نخواهد داشت. در تجربه‌های زندگی گواه این نکته فراوان است.

بر اولیای دختران جایز نیست که از ازدواج آن‌ها جلوگیری کنند، یا با پایبندی به آداب و رسومی، نظیر گذاشتن مهریه‌های سنگین یا دست نگه‌داشتن به امید ازدواج با یکی از پسر عموها یا سادات که خداوند کسی را ملزم به این امور نکرده، مانع ازدواج آنان شوند؛ زیرا در این کار مفسده‌های بزرگی است که از آن ناآگاه‌اند و باید بدانند که خداوند سبحان پدران را بر دختران ولایت نداده، مگر برای مصلحت‌اندیشی و پافشاری در خوشبختی آن‌ها و هر کس بدون رعایت مصلحت، از ازدواج زنی

جلوگیری کند، مرتکب گناه شده است و آثار آن تا وقتی که آن زن از پیامدهای کار او رنج می برد دامن گیرش خواهد بود و با این کار دری از درهای دوزخ را بر خود گشوده است .

## ۶- تلاش برای نیکوکاری و کمک رسانی به مردم به ویژه به یتیمان و بیوه زنان و بینوایان و پرداختن به کارهای عام المنفعه:

این کار موجب رشد ایمان و تهذیب نفس می شود و زکات نعمت ها و خیراتی است که به انسان داده شده است و نهادینه کردن فضیلت و همیاری در کارهای نیک و پرهیزکاری و انجام بی سروصدای امر به معروف و نهی از منکر و کمک رسانی به مسئولان برای حفظ نظام همگانی و رعایت منافع عمومی را در خود جای دارد و باعث بهبودی وضعیت جامعه می شود؛ بنابراین، برکت این دنیا و ذخیره آخرت خواهد بود .

خداوند سبحان جامعه متحد و همپیمان را که افراد آن به مشکلات برادران و همنوعان خود اهمیت می دهند و خوبی هایی را که برای خود بخواهند برای دیگران نیز می خواهند، دوست دارد و فرموده است: «وَكُوْا اَنْ اَهْلَ الْقُرَى اٰمَنُوْا وَاَتَقُوْا لَفَتْحٰنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ» ؛ « و اگر مردم شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند، هر آینه برکاتی از آسمان و زمین بر آن ها می گشودیم» .

و فرموده است: «اِنَّ اللّٰهَ لَا يُعَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتّٰى يُعَيِّرُوْا مَا بِاَنْفُسِهِمْ» ؛ «خداوند حال هیچ قومی را تغییر نمی دهد مگر آنان حال خود را تغییر دهند» .

پیامبر اکرم ﷺ نیز فرمود: (لَا يُؤْمِنُ اَحَدُكُمْ حَتّٰى يَحِبَّ لِاَخِيْهِ مَا يَحِبُّ لِنَفْسِهِ و يَكْرَهُ لِاَخِيْهِ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ) ؛ «هیچیک از شما به کمال ایمان نمی رسد، مگر آنچه را که برای خود دوست دارد برای برادر خود نیز دوست داشته باشد و آنچه را که برای خودش نمی پسندد برای برادر خود نیز نپسندد» .

همچنین فرمود: (مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ اَجْرُهَا وَاَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا)، «هر که سنت نیکی را بنا نهاد، پاداش آن کار و پاداش کسانی که به آن سنت عمل می کنند برای او است» .

۷ - کسانی که کاری از امور دیگران را بر عهده دارند، مسئولیت خود را، چه در خانواده و چه در جامعه، به درستی انجام دهند؛ بنابراین، پدران سرپرستی فرزندان را و شوهران سرپرستی همسرانشان را به خوبی عهده دار شوند و با رعایت حکمت و به منظور پاسداری از حریم خانواده و جامعه، از خشونت و سنگدلی، حتی در مواردی که قاطعیت لازم است، پرهیز کنند؛ زیرا روش های قاطعانه، منحصر به آزار بدنی و به کار بردن الفاظ رکیک نیست، بلکه ابزار و شیوه های تربیتی دیگری نیز وجود دارد که اگر کسی در پی آن باشد و با اهل خبره و حکمت مشورت کند، به آن ها دسترسی خواهد داشت. وانگهی، روش های خشونت آمیز در بسیاری از موارد نتیجه معکوس دارد و موجب ریشه دار شدن امری که نظر به بهبود آن است و سرافکنندگی شخصیت کسی که قصد اصلاح وی در میان است، می گردد. قاطعیت چنانچه سبب ظلم شود و اصلاح خطا اگر خود موجب خطای دیگری باشد، هیچ خیری ندارد .

کسی هم که عهده دار یکی از مسئولیت های جامعه است، باید به کار خویش اهتمام ورزد و در آن خیرخواه مردم باشد و در انجام وظایفی که از دید آن ها پنهان است خیانت نکند که خداوند متعال بر همه کارهای او و مردم ولایت دارد و در روز قیامت او را پیوسته بازخواست خواهد نمود؛ پس باید مراقب باشد که اموال مردم را به مصرف نامشروع نرساند و تصمیمی برخلاف خیر و مصلحت آنان نگیرد و با سوءاستفاده از موقعیت خود، گروه و حزبی تشکیل ندهد تا تخلفات یکدیگر را مخفی کنند، به تقسیم منافع نامشروع و اموال شبههناک میان یکدیگر بپردازند و دیگران را از مناصبی که شایستگی آن را دارند کنار بزنند یا از دریافت خدماتی که سزاوار آن هستند بازدارند؛ بلکه باید کارهایش برای همگان یکسان باشد و نباید مقام خویش را ابزاری برای ادای حقوقی مانند حق خویشاوندی یا جبران نیکی های دیگران و دیگر حقوقی که بر گردن شخص او است قرار دهد؛ زیرا ایفای این حقوق شخصی از رهگذر حقوق عمومی، ظلم و تباهی است؛ بنابراین، اگر برای شما شرایطی پیش آمد که کسی را

انتخاب کنید، سراغ کسی بروید که از قدرت بی‌بهره است، مقامی پشت سر او نیست و جز خداوند سبحان هیچ یآوری برای گرفتن حق خویش ندارد.

احدی از شما دین یا مذهب را ابزاری برای توجیه کارهای خود قرار ندهد؛ زیرا دین و مذاهب حقه بر اصول راستینی همچون رعایت عدل و احسان و امانت‌داری و اموری از این قبیل بنیان نهاده شده است. خداوند سبحان می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». «ما پیامبران خود را با دلایل آشکار فرستادیم و به همراه آن‌ها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم به عدالت رفتار کنند». امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: (إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ فِي غَيْرِ مَوْطِنٍ: لَنْ تُقَدَّسَ أُمَّةٌ لَا يُؤْخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوِيِّ غَيْرَ مُتَعَتِّعٍ)؛ «من بارها از پیامبر خدا صلى الله عليه وآله شنیدم که می‌فرمود: ملتی که در آن حق ضعیف از قوی، بدون ترس و واهمه گرفته نشود، به تقدس نخواهد رسید» و هر که مبنای خود را بر چیزی جز این قرار دهد، در حقیقت خویشتن را با آرزوهای پوچ و امیدهای دروغین فریب داده است. نزدیکترین مردم به پیروی از پیشوایان عدالت مانند پیامبر صلى الله عليه وآله و امام علی علیه السلام و امام حسین شهید علیه السلام کسانی هستند که بیش از دیگران به سخنان آن‌ها عمل کرده و از سیره آن‌ها پیروی می‌کنند.

کسی که عهده‌دار امور مردم است باید به خواندن نامه امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک اشتر هنگام اعزام او به مصر پایبند باشد؛ زیرا این نامه توصیفی فراگیر از اصول عدالت و امانت‌داری است و به تناسب وضعیت افراد، برای همگان، خواه مسئولان و خواه کسانی که رتبه پایین‌تری دارند، مفید است. هر چه مسئولیت کسی گسترده‌تر باشد توجه به دستورالعمل‌های این نامه برایش لازم‌تر و ضروری‌تر است.

## ۸ - آراسته شدن به روحیه علم‌آموزی و تلاش برای افزایش حکمت و معرفت در همه مراحل و

### احوال زندگی :

آدمی باید کارها و خصلت‌های خود و پیامدهای آن را بسنجد و به رویدادهای پیرامون خویش و نتایج آن بنگرد تا هرروز بر معرفت و تجربه و کمال او افزوده شود؛ چه، زندگی مدرسه‌ای است با ابعاد گوناگون و بسی ژرف و در طول زندگی، انسان هیچ‌گاه از دانش و شناخت و مهارت بی‌نیاز نیست؛ در هر کار و حادثه‌اش نشانه و عبرتی نهفته و هر رخدادش دربردارنده پیغام و نکته‌ای است که هر کس در آن اندیشه کند، سرچشمه آن را در سنت‌های الهی خواهد یافت و نمونه‌هایی از موعظه‌ها و پندها را خواهد دید؛ این‌گونه است که انسان تا آنگاه که به ملاقات خدای سبحان برود، هرگز از دانش و شناخت و مهارت بی‌نیاز نمی‌شود و هر چه بینش بیشتری داشته باشد، در راه شناخت حقایق، به آزمون و خطای کمتری نیاز دارد. خداوند متعال می‌فرماید: «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا». «و کسی که به او حکمت داده شود، از خیر زیادی بهره‌مند شده است» و به پیامبر خود فرمود: «وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا». «بگو: ای پروردگرم، دانش مرا افزون کن».

و سزاوار است انسان با سه کتاب زیر انس داشته باشد و با تأمل و تفکر، از آن‌ها توشه بگیرد :

نخستین و برترین کتاب، قرآن کریم آخرین پیام خداوند سبحان به آفریدگان است که آن را نازل فرموده تا گنجینه‌های عقل و خرد را برانگیزد و چشمه‌های حکمت و دانایی را بجوشاند و با آن سختی دل‌ها را نرم کند و از باب نمونه، در آن رخدادهایی را بیان فرموده است، پس انسان باید خود را از تلاوت این کتاب محروم نکند و هنگام تلاوت، این احساس را داشته باشد که گوش به خطاب خداوند سبحان سپرده؛ زیرا خداوند کتاب خود را، به عنوان پیامی برای همه جهانیان نازل کرده است.

دومین کتاب نهج البلاغه است که عموماً همان مضامین و نکات قرآن را با شیوه‌ای رسا و به‌گونه‌ای بیان می‌کند که روحیه تدبیر و تفکر و پندپذیری و حکمت طلبی در آدمی زنده می‌شود؛ پس انسان هرگاه فرصت و فراغتی به دست می‌آورد شایسته نیست که از خواندن آن کوتاهی کند و در هنگام مطالعه آن کتاب باید این احساس را داشته باشد که آرزوهایش برآورده شده و پای خطبه‌های امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ نشسته است و باید به نامه حضرت عَلَيْهِ السَّلَامُ به فرزندش امام حسن مجتبی عَلَيْهِ السَّلَامُ که از قضا برای همین منظور بیان شده است، توجه بیشتری داشته باشد .

سومین کتاب، صحیفه سجادیه است؛ مجموعه‌ای شامل دعاهایی بلیغ برگرفته از قرآن کریم که در آن درس‌هایی برای رویکردها، دغدغه‌ها، دیدگاه‌ها و آرمان‌های انسان و تبیین راه‌های محاسبه نفس و به نقد کشیدن آن و کشف زوایای پنهان و رمز و راز نفس آدمی است؛ و در این میان، دعای مکارم‌الاخلاق ویژگی برجسته‌ای دارد .

این هشت توصیه که چیزی جز چند تذکر نیست، پایه‌ها و ارکان راه درست زندگانی است؛ زیرا انسان در پرتو همین یادآوری‌ها است که نور حق و روشنایی حقیقت و زلالی فطرت و گواهی‌های عقل و تجربه‌های زندگی را درمی‌یابد؛ پیام‌های الهی و موعظه‌های اهل بصیرت نیز به همین امر شهادت داده‌اند؛ بنابراین برای هر انسان، مخصوصاً جوانانی که در اوج توان و نیروی بدنی و روحی خود به سر می‌برند، شایسته است که به این اندرزها عمل کند یا در راه آن‌ها بکوشد؛ اندرزهایی که در حقیقت سرمایه‌های زندگی انسان هستند و اگر بخشی از آن یا رسیدن به مراتب بالای آن را از دست بدهند، باید بدانند که «بهره اندک، بهتر از ترک همه است» و به دست آوردن بعضی از این امور، بهتر از رها کردن تمام آن است؛ خداوند سبحان می‌فرماید: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ﴿٧﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿٨﴾»؛ «پس هر که به وزن ذره‌ای نیکی کرده باشد آن را می‌بیند و هر کس به وزن ذره‌ای بدی کرده باشد آن را می‌بیند».

از خداوند مسألت دارم شما را به آنچه موجب سعادت و استواری در دنیا و آخرت است موفق دارد؛ فَإِنَّهُ وَلِيُّ التَّوْفِيقِ

۲۸ ربیع‌الاول ۱۴۳۷ هجری قمری